

نگاهی کثرت‌گرایانه به

رویدادها و روش‌شناسی‌ها در علوم اجتماعی

دکتر محمد جعفر جوادلی ا. جمند
مجید فرهام

عنوان پدید آورنده	نگاهی کثرت گرایانه به رویکردها و روش‌شناسی‌ها در علوم اجتماعی / ویراستاران: دوناتلا دل‌اپورتا، مایکل کیتینگ؛ مترجمان: دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند، مجید فرهام.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۲۲ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۷۱-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Approaches and methodologies in the social sciences: a pluralist perspective, 2008.
موضوع	: علوم اجتماعی -- تحقیق -- روش‌شناسی
شناخت افزوده	: دل‌اپورتا، دوناتلا، ۱۹۵۶ م.
سازمانده	: Dellaporta, Donatella
شناخت افزوده	: جوادی ارجمند، محمدجعفر، ۱۳۳۶ م. مترجم
سازمانده	: فرهام، مجید، ۱۳۴۱ م. مترجم
رده‌بندی کنگره	: H ۶۲/ن۸ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیو	: ۳۰۰/۷۲
شماره کتابشناسی	: ۴۰۸۸۴



نگاهی کثرت گرایانه به رویکردها و روش‌شناسی‌ها در علوم اجتماعی

مترجمان: دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند، مجید فرهام

ویراستاران: دوناتلا دل‌اپورتا، مایکل کیتینگ

طرح جلد: صدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شادرنگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ ☎ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

شابک: ISBN: 978-964-334-571-6 ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۷۱-۶

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است *

من در میان اهل علم زندگی کرده‌ام؛ کسانی که تاریخ را نگاشته‌اند بی‌آنکه عملاً درگیر موضوعات آن بوده باشند و نیز در میان سیاستمداران؛ آنان که تمامی وقت خود را صرف می‌کنند تا امر را بخوانند خود را رقم بزنند بی‌آنکه در اندیشه توصیف آنها باشند. آنچه همواره دریافت می‌کنم این است که گروه اول در همه جا عللی کلی را دخیل می‌داند، در حالی که گروه دوم در مواجهه با انبوهی از حقایق نامرتبط زندگی روزمره بر این اعتقاد است که هر چیز باید به علتی خاص نسبت داد. به باور این گروه، نیروی اندکی که در دستان آنهاست همان نیرویی است که جهان را به تکاپو وامی‌دارد. باید پذیرفت که هر دو گروه سخت در اشتباه است.

«الکسیس، در وکیل، یادگاری‌ها»

فهرست

۹	نویسنه گان
۱۱	پیش گفتار
۱۷	مقدمه مترجمان
۲۳	۱. مقدمه
	دوناتلا دلاپورتا و مایکل کیتینگ
۴۹	بخش اول: معرفت شناسی و فلسفه علوم اجتماعی
۵۱	۲. مقدمه ای معرفت شناختی بر تعدد رویک ها در علوم اجتماعی
	دوناتلا دلاپورتا و مایکل کیتینگ
۸۷	۳. نظریه هنجاری سیاسی و پژوهش تجربی
	رایز بوباک
۱۲۱	۴. تبیین علی.
	آدرین هریتیر
۱۵۳	۵. چیستی و اهمیت سازه انگاری
	فردریش کراتوکویل
۱۸۵	۶. فرهنگ و علوم اجتماعی
	مایکل کیتینگ
۲۲۱	۷. نهادگرایی تاریخی.
	اسون استاینمو
۲۵۷	۸. نظریه بازی.
	کریستین شواشکا

۳۹۵	۹. عقلانیت و شناسایی. الساندرو پیزورنو
۳۱۵	بخش دوم: طرح پژوهش
۳۱۷	۱۰. مفاهیم و چگونگی شکل‌گیری آنها.
	بتر مایر
۳۵۱	۱۱. تحلیل مقایسه‌ای: پژوهش مورد محور در برابر پژوهش متغیر محور.. دوناتلا دلاپورتا
۳۹۱	۱۲. مطالعات موردی و ردیابی فرایند: نظریه‌ها و روش‌ها پاسکال نسون
۴۲۱	۱۳. تحلیل کنش‌ها مارک فرانکلین
۴۵۷	۱۴. طرح پژوهش در سبده علل اجتماعی و سیاسی فیلیپ اشمیر
۵۰۹	۱۵. رویکردهای قوم‌نگارانه. زو بری
۵۴۳	۱۶. مقایسه رویکردها، روش‌شناسی‌ها و روش‌های جمع‌آوری پایانی. دوناتلا دلاپورتا و مایکل کیتینگ
۵۵۵	فهرست منابع
۵۹۷	واژه‌نامه...
۶۱۷	نمایه
۶۲۸	فهرست تفصیلی

پیشگفتار

داستان شکل‌گیری این کتاب، سال‌های آغازین ۲۰۰۰ میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که در انستیتو دانشگاه اروپایی گرومی از پژوهشگران مقطع دکترا شروع به شکایت در مورد نادیده انگاشته شدن «روش‌های کمی» کردند. از آنجا که تنها تعداد اندکی از اعضای هیئت‌علمی با روش‌های کمی کار می‌کردند، فرض ما بر آن بود که بقیه از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند و این فرض به همان اندازه بدیهی بود که همه می‌دانستیم شکسپیر شاعری انگلیسی و پرآواز است. پس از مجادله‌ها و مباحثه‌های متعدد مشخص شد که در بسیاری از موارد، منظور آنها از واژه کیفی چیز دیگری بود؛ منظور آنها نه یک روش، بلکه شکلی خاص از معرفت‌شناسی بود که معنای آن نیز در حوزه علوم اجتماعی پیوسته دچار بسط و گسترش شده بود. هرچند درک معنای دقیق «کیفی» دشوار بود، ولی به نظر می‌رسید تعریف آن در نقطه مقابل «اثبات‌گرایی» قرار می‌گرفت؛ تعریفی که پذیرش آن برای خود پژوهشگران نیز دشوار بود و همانند واژه «کیفی» می‌توانست در معرض بسط و گسترش قابل ملاحظه‌ای باشد. این بحث تنها به انستیتو دانشگاه اروپایی محدود نمی‌شد؛ گو اینکه پژوهشگران گروه اجتماعی در دام نوعی ثنویت‌گرایی مانوی گرفتار شده بودند و چاره‌ای نداشتند جز اینکه خود را در سویی از این دو قطب

مخالف تعریف کنند. این واقعیت که ما هرگز قادر نبودیم اسم یا واژه‌ای مشترک برای این دو رویکرد بیابیم نشان می‌داد که موضوع پیچیده‌تر از آن چیزی بود که به نظر می‌رسید. این موضوع، نه موضوعی جدید، بلکه مجادله‌ای قدیمی بود که سالیان متمادی در حوزه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی جریان داشت. ما به جای تسلیم در برابر جنگ فرهنگ‌ها که توانسته بود بسیاری از دانشکده‌های علوم اجتماعی به خصوص در ایالات متحده را به زانو درآورد تصمیم گرفتیم بخشی را در میان مکاتبات رویکردهای گوناگون آغاز کنیم و موضوع را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. به باور ما، آشنایی با مباحث موجود، توانایی مطالعه نقادانه و درک نگاه رویکرد یک دانشمند را در غایت منشأ آن، کمترین خواسته‌ای است که از دانشجویان دکترا در حوزه علوم اجتماعی انتظار می‌رود. آنها باید علاوه بر انتخاب آگاهانه رویکرد خود در هر کار پژوهشی قادر باشند به‌خوبی از آن دفاع کنند و به شکلی علمی، رویکردهای دیگر را مورد ستایش و بررسی قرار دهند و بالاخره آنکه بدانند چگونه و تا کجا می‌توان رویکردهای گوناگون را در یک طرح پژوهشی منسجم تلفیق کرد.

حاصل این مباحث، شکل‌گیری سمینار برای دانشجویان سال اول دکترا در رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل، نظریه سیاسی و اجتماعی بود. همین دانشجویان سرسخت‌ترین منتقدان ما بودند. یادآوری آنها برای شنیدن استدلالات شفاف و منسجم، اعضای هیئت علمی را قادر می‌ساخت تا با یکدیگر به بحث و مناظره بپردازند. هرچند به نظر می‌رسید سمینار این را ابتدا موجب سردرگمی و مغشوش شدن دیدگاه‌های آنان در مورد پژوهش شده است، اما خوشبختانه در پایان سمینار، آنها به درک شفاف‌تری از جایگاه خود و نیز فهم این نکته دست یافتند که موضوعات مورد اختلاف کمتر از آن چیزی بودند که در ابتدا به نظر می‌رسید. گرایش صاحب‌نظران دانشگاهی به ابداع مفاهیم جدید، بسط مفاهیم پیشین، نام‌گذاری مجدد مفاهیم و انشقاق به گروه‌ها و نحله‌های متعارض همچنان رو به افزایش است و شاید بتوان گفت نسل کنونی دانشجویان تحصیلات تکمیلی قربانیان اصلی این روند هستند.

به پیشنهاد هلن والاس^۱ که در آن زمان مدیر مرکز رابرت شومن^۲ برای مطالعات عالی در انستیتو دانشگاه اروپایی بود تصمیم گرفتیم ماحصل این دوره را به شکل یک کتاب منتشر کنیم. این موضوع ما را بر آن داشت تا با دقتی بیشتر به محتوا و انسجام مباحث مطرح شده بیندیشیم هرچند باور ما بر آن بود که تجربه دو سال همکاری مشترک نویسنده‌گان به تبیین شفاف موضوعات کمک خواهد کرد. در این کتاب ما دنبال ارائه رویکردی واحد به علوم اجتماعی یا حتی تلاش برای تلفیق رویکردهای موجود نیستیم. نگاه ما در این کتاب نگاهی کثرت‌گرایانه و متأثر از این باور است که هیچ رویکردی به‌تنهایی «بهترین» نیست، بلکه باید به تکرر و تحمل رویکردهای گوناگون التزام داشت. هرچند به اعتقاد ما می‌توان میان این رویکردها نوعی میانگین و گفت‌وگو بر مبنای معیارهای متداول استدلال برقرار کرد. سعی ما در صفحات پیش رو، ارائه چنین مباحثاتی بوده است.

برخی از ویژگی‌های انستیتو دانشگاه اروپایی باعث شده است تا این مباحثات، اگر نگوییم منحصر به فرد، اما چالش برانگیز از هر جای دیگری باشند. گروه علوم سیاسی و اجتماعی متشکل از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل و نظریه سیاسی و اجتماعی، گروهی کاملاً میان‌رشته‌ای است. از این‌براین، دانشجویان دکترا در این مؤسسه، به دلیل ماهیت اروپایی آن، به تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سایر کشورها تعلق دارند. ره‌آورد این دانشجویان برای مؤسسه، پیشنهادی غنی و متنوع و دانشی عمیق از کشورهای خود و از وضعیت خاص کشورهای گوناگون در آن کشورهاست. همین ویژگی‌ها ما را پیوسته برمی‌انگیزانند و به چالش فرا می‌خورانند تا نه تنها از مرز تفکرات فردی خود عبور کنیم، بلکه از جریان انگلیسی‌زبان حاکم بر ادبیات علوم اجتماعی نیز پا فراتر بگذاریم. آنها ما را وامی‌دارند تا زبان‌های دیگر را بیاموزیم و بخوانیم و دیدگاه‌های برخاسته از سبقه‌ها و سنت‌های ملی کشورهای گوناگون را با یکدیگر پیوند دهیم و به ما کمک می‌کنند تا در تعاملات

1. Helen Wallace

2. Robert Schuman

روزمزه خود، رویکردی کاملاً فراملی به علوم اجتماعی را پایه‌ریزی کنیم. این موضوع، مؤسسه ما را به مؤسسه‌ای اصالتاً اروپایی مبدل کرده است. این جمله بدان معنا نیست که در حوزه علوم اجتماعی، یک مکتب اروپایی واحد در مقابل نوع آمریکایی آن وجود دارد. دیدگاه مفسران نظریه انتخاب عقلانی، سازه‌انگاری یا یادگرایی تاریخی در دو سوی اقیانوس اطلس، شباهت‌های بسیاری به یکدیگر دارند. هرچند در اروپا رویکردهای موجود از تکتیر بیشتری برخوردارند.

در میان گوناگون، سبک‌ها و سنت‌های فکری متعددی را می‌توان مشاهده کرد و کمتر دیده می‌شود که یک رویکرد، همواره رویکردی مسلط باشد. به اعتقاد ما، دیدگاه‌ها و رویکردها گوناگون باید به شکلی کمابیش سازگار در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه دهند؛ باوری که سرلوحه تلاش ما در این پروژه نیز بوده است. برای قیاس بهتر، می‌توان به نگرش عمده به مقوله اختلاف‌نظر را مطرح کرد؛ گروه اول کسانی هستند که به رویکرد خاص، سخت پای‌بندند و فکر می‌کنند همه باید از آن تبعیت کنند. گروه دیگر، رویکردی خاص را ترجیح می‌دهند و تمایل دارند رویکرد موردنظر به رویکردی مسلط تبدیل شود، اما می‌دانند که این خواسته، عملی نیست و اگر قرار باشد تنها یک رویکرد حاکم باشد، آن رویکرد، قطعاً رویکرد دلخواه آنان نخواهد بود؛ این افراد کثرت‌گرا را عمل‌گرا هستند. گروه آخر کسانی هستند که کثرت‌گرایی را فی‌نفسه امری مثبت می‌دانند؛ زیرا به اعتقاد آنان کثرت‌گرایی فکری، افراد را ترغیب می‌کند تا از یکدیگر بیابوزند و از این‌رو می‌تواند به غنای هرچه بیشتر تجربه‌های پژوهشی منجر شود. همین نگرش سوم بود که ما را برانگیخت تا این مجموعه را گردآوری کنیم. باور ما بر آن است که علوم اجتماعی هرگز نباید در چنگال یک عقیده یا سنت متعارف گرفتار شود، بلکه باید با آموختن از شاخه‌های دیگر علم و نیز تحولات جدید و با بازبینی گذشته خود، پیوسته تجدید حیات کند. معنای این جمله هرگز آن نیست که به اعتقاد ما پژوهشگران می‌توانند هر دیدگاه، رویکرد، نظریه یا روشی را به میل خود با هم درآمیزند. بی‌تردید، روش‌شناسی همواره حائز اهمیت، استحکام فکری در هر

رویکردی ضروری و شفافیت و انسجام ویژگی حیاتی هر پژوهش علمی است. ما از ایوز مینی^۱، رئیس انستیتو دانشگاه اروپایی، که از این پروژه حمایت کرد، از سارا تارو^۲ که ویرایش مقالات را به عهده داشت و از دانشجویان مقطع دکترا که با نقدهای خود الهام بخش ما بودند صمیمانه سپاسگزاریم.

1. Yves Meny

2. Sarah Tarrow

مقدمه مترجمان

کتاب پیش روی خوانندگان توسط «دوناتلا دلاپورتا» استاد جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در دانشگاه فلورانس ایتالیا و «مایکل کیتینگ» استاد علوم اجتماعی و سیاسی در دانشگاه ابردین انگلستان ویراسته شده است. موضوع کتاب مربوط به تکرر رویکردهای روش‌شناسی در حوزه علوم انسانی است که در سال‌های ۲۰۰۰ م به بعد طی همایشی توسط چند تن از اساتید دانشگاه جوان تحصیل‌ات تکمیلی در انستیتو دانشگاه اروپایی ایتالیا شروع شد و در نهایت منجر به تدوین کتاب حاضر شد. این اثر تجربه دو سال همکاری مشترک نویسندگان در قالب نگاهی کثرت‌گرایانه به روش‌شناسی‌های گوناگون در علوم اجتماعی است.

کتاب حاضر دارای پیشگفتار، مقدمه و دو بخش متمایز است؛ بخش اول اختصاص به معرفت‌شناسی و فلسفه علوم اجتماعی دارد و شامل هشت مقاله است که عبارتند از: مقدمه معرفت‌شناختی بر رویکردهای علوم اجتماعی اثر دو ویراستار، نظریه هنجاری سیاسی و پژوهش تجربی اثر «راینر بویاک»، تبیین علی اثر «آدرین هریتیر»، چیستی و اهمیت سازه‌انگاری اثر «فردریش کراتوکویل»، فرهنگ و علوم اجتماعی اثر «مایکل کیتینگ»، نهادگرایی تاریخی اثر «اسون استاینمو»، نظریه بازی اثر «کریستین شواشکا»، و عقلانیت و شناسایی اثر «الساندرو پیزورنو» است.

مباحث بخش اول، شامل موضوعات هستی‌شناسی است که در ارتباط با وجود جهان واقعی و عینی است. پرسش اصلی آن است که جهان چگونه نظم و قوام یافته است و ما چگونه آن را درک می‌کنیم. علوم طبیعی همواره درگیر مباحث دربارهٔ چگونگی شناسایی پدیده‌های طبیعی است؛ برای مثال، اینکه آیا طبقه‌بندی گیاهان واقعاً در طبیعت وجود دارد یا محصول طبقه‌بندی‌های علمی ماست. در بحث معرفت‌شناسی، سؤال این است که چگونه می‌توان چیزی را شناخت. در واقع معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به ماهیت، منابع و محدودیت‌های شناخت می‌پردازد. منظور از شناخت، شناخت گزاره‌ای است و این شناخت با اعتقاد تفاوت دارد، زیرا استلزم ارائه گزاره‌هایی است که دیگران را متقاعد کند. مقولهٔ روش‌شناسی به ابزارها و تکنیک‌هایی که برای دستیابی به شناخت مورد استفاده قرار می‌گیرند اشاره دارد. در یک سطح می‌توان روش‌شناسی را از مباحث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی متمایز دانست، زیرا برای دستیابی به هر نوع شناخت، روش‌های متعددی وجود دارد. به نظر نویسندگان اولین مقالهٔ بخش اول، روش‌های شناخت درهم تنیده‌اند، زیرا رویکردهای ثابت‌گرایانه در علوم اجتماعی به روش‌های سخت متمایل است و در جست‌وجوی داده‌های قطعی، شواهد عینی، قوانین و قواعد مشخص است. در حالی که رویکردهای تفسیرگرایانه‌تر از روش‌های نرم‌تر استفاده می‌کنند که ممکن است به رایجی هم منجر شوند، اما می‌توان از طریق آنها تأثیر متقابل پژوهشگر و موضوع پژوهش را شناسایی کرد. تمامی این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های موجود در چهارچوب‌های پژوهش است. در بخش دوم نویسندگان به پرسش‌های مرتبط با روش‌شناسی می‌پردازند. در مقاله اول با عنوان «مفاهیم و چگونگی شکل‌گیری آنها» «پیتر مایر» به این نکته می‌پردازد که مفاهیم همان گروه‌ها هستند و لذا هر متغیر یا مورد، نمونه‌ای از چیزی کلی‌تر است. گروه‌ها از سویی منحصربه‌فرد هستند و از این‌رو یک مورد نمی‌تواند در دو گروه با سطح انتزاعی یکسان قرار گیرد و از سوی دیگر، فراگیر هستند یعنی هر دو مورد را می‌توان در نهایت در یکی گروه‌ها جای داد. در مقاله دوم از این بخش،

«دلاپورتا» به چگونگی انتخاب بین رویکردهای متغیرمحور و موردمحور در پژوهش تطبیقی می‌پردازد. در این مقاله، نویسنده برخی از انتخاب‌های روش‌شناختی دارای اهمیت همچون سطح مناسب تجزیه و تحلیل و تعداد موارد می‌پردازد. شرایط محیطی همانند مراحل موجود در چرخه پژوهش یا نوع داده‌های قابل دسترس و ترجیحات معرفت‌شناختی پژوهشگران بر مبنای رویکرد و مهارت‌های روش‌شناختی خود، عواملی هستند که می‌توانند بر انتخاب یکی از دو رهیافت فوق تأثیر بگذارند. در مقاله بعدی بخش دوم، «پاسکال ونسون» به مطالعات موردی می‌پردازد و اینکه این نوع پژوهش با کمک به نظریه‌پردازی می‌کند. در ادامه، نویسنده به پنج‌گونه مطالعه موردی می‌پردازد که عبارتند از مطالعات توصیفی/شکلی، مطالعات تفسیری که با استفاده از یک نظریه به تبیین موارد می‌پردازند و سپس نظریه مورد استفاده را اصلاح می‌کند. مطالعات فرضیه‌ساز که مبنایی برای پژوهش بیشتر را فراهم می‌سازند، مطالعات مبتنی بر رفتار که فرضیه‌ها و نظریه‌های جدیدی ارائه می‌کنند، و مطالعاتی که برای سنجش اثربخشی یک نظریه انجام می‌گیرند.

سه فصل بعدی به جنبه‌های عملی پژوهش می‌پردازند. «مارک فرانکلین» تجزیه و تحلیل کمی‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد که رویکردی اثبات‌گرایانه و مبتنی بر منطق علی است. در ادامه فصل «فیلیپ اشتون» دیدگاهی برگرفته از منطق علی، نگاهی اثبات‌گرایانه به فرایند پژوهش دارد. به باور او، با ارائه مراحل اصلی چرخه پژوهش نشان می‌دهد که چگونه می‌توان یک انگار را به یک موضوع پژوهشی تبدیل کرد. «اشمیتز» با برجسته کردن مجموعه‌ای از انتخاب‌های راه‌دی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان یک مسئله را ابتدا به یک موضوع و سپس به یک پروژه پژوهشی ترجمه کرد. در تحقیق بعدی، «زو بری» به روش قوم‌شناسانه به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. رویکرد قوم‌نگارانه از منظری خُرد به پدیده‌های اجتماعی می‌نگرد و می‌توان آن را مکمل و نه جایگزین نگاه کلان به پدیده‌ای اجتماعی دانست. نویسنده در ادامه مطرح می‌کند که رویکرد قوم‌نگارانه با رویکرد اثبات‌گرایانه و متغیرمحور به علوم اجتماعی متفاوت است. این رویکرد

به کلیت موارد توجه دارد و عمق پژوهش (یعنی فهم بسیار دربارهٔ یک مورد) را به وسعت آن (یعنی فهم اندک دربارهٔ موارد بسیار) ترجیح می‌دهد. در فصل پایانی، دو ویراستار کتاب، به این پرسش می‌پردازند که چه تعداد منطق پژوهشی وجود دارد و چگونه می‌توان آنها را با یکدیگر تلفیق کرد. همچنین نقاط مشترک و مکمل رویکردهای مورد بحث را شناسایی کرده و به تفاوت‌های اساسی میان آنها اشاره می‌کنند.

قدر مسلم این است که نویسندگان این مجموعه هرگز وجود اختلاف‌نظر در میان پژوهشگران و صاحب‌نظران دربارهٔ منطق و کارکرد علوم اجتماعی را انکار نمی‌کنند. بین‌اشته و به معیم‌دهی و اعتراف به پیچیدگی پدیده‌ها، تفاوت فاحشی وجود دارد. همان‌اناره که «هریتیر»، ساخت‌گزاره‌های (تا حد امکان) قانون‌مانند را ترجیح می‌دهد، «کراتوکویر» را از درافتادن در دام این توهم برحذر می‌دارد. این تفاوت‌ها را حتی در سبک روایی پژوهشگران نیز می‌توان مشاهده کرد.

علاوه بر این، برداشت‌های متفاوت از ماهیت علم اینکه آیا علم اساساً می‌تواند خنثی و بدون جهت‌گیری باشد یا به شکلی استناد‌ناپذیر به سمت مقولات هنجاری گرایش می‌یابد (پژششی که «بویاک» در فصل آخر آن پرداخته است) را می‌توان منشأ دیگری از اختلاف‌نظر در حوزهٔ علوم اجتماعی قلمداد کرد.

در کنار این‌گونه تفاوت‌ها نباید از ظرفیت بالقوهٔ تناس و گفت‌وگو میان رویکردها و روش‌شناسی‌های مختلف نیز غافل شد. هم «مایر» هم «کراتوکویل»، مفهوم‌سازی را به‌منزلهٔ گامی اساسی در مسیر پژوهش و نظر-پردازی قلمداد می‌کنند؛ دو فصلی که به نظریهٔ بازی و نظریهٔ شناسایی پرداخته‌اند اهمیت انگیزه‌های فردی را مورد تأکید قرار می‌دهند. هم تحلیل علی و هم مطالعات موردی از ردیابی فرایند به‌منزلهٔ ابزاری روش‌شناسانه بهره می‌گیرند. «اشمیتز و دلاپورتا»، هر دو در خصوص مشروعیت شروع و اقام پژوهش در مقاطع مختلف «چرخهٔ ساعت‌گونه» توافق دارند، و هم «فرانکلین» و هم «پری» بر اهمیت پژوهش‌های روش‌آگاه بافشاری می‌کنند.

در پایان ضمن تشکر از مدیر محترم انتشارات روزنه، جناب آقای سید علیرضا بهشتی و سایر همکاران ارجمند وی که زحمت مراحل مختلف چاپ کتاب را به عهده گرفته‌اند، متذکر می‌شود مباحث این کتاب می‌تواند در عرصه علوم اجتماعی و در مباحث روش‌شناسی علوم انسانی افق جدیدی را ایجاد کند. امید است این اثر مورد استفاده اساتید و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به‌ویژه رشته‌های علوم اجتماعی، سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در دروس «روش‌شناسی» و «روش تحقیق» قرار گیرد و ایشان ما را از دیدگاه‌های خود بهره‌مند سازند.

محمدجعفر جوادی ارجمند

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

پاییز ۱۳۹۴